

تبیین شاخص ها و برنامه های اجتماعی آموزش و پرورش کشور براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

فاطمه مرادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۰

جهانبخش رحمانی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۲

محمد رضا ششمشیری^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف نقد و بررسی سیاستگذاری آرمانهای اجتماعی آموزش و پرورش کشور براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به روش کتابخانه ای- تفسیری انجام شد. ابزار گردآوری داده ها، سیاهه محقق ساخته یادداشت برداری، از سند تحول بنیادین و دیدگاههای انتقادی و توصیفهای مطروحه از این سند می باشد. نتایج نشان داد که سیاست های آموزش و پرورش براساس این سند شامل تکیه بر آموزه های بنیادی اسلام و سازگاری با آنها، استفاده از آخرین یافته های علمی، ملاحظه واقع گرایانه ظرفیت های موجود، بهره مندی از تجارب کشورهای موفق، نقش آفرینی دولت و ملت در آموزش، تربیت فردی و اجتماعی، تربیت یکپارچه می باشد. نقاط قوت طرح شامل هماهنگی و همسویی عوامل متعدد تربیت، دخیل نمودن نقشه رسانه ها در تربیت می باشد و نقاط ضعف این طرح، بی توجهی به اجرای زیر نظامهای سند تحول، دید غیرواقع گرایانه به عدالت تربیتی، نگاه خوش بینانه در بیان راهکارهای تربیتی می باشد. کلیدواژه: سیاستگذاری آموزش و پرورش، آرمانهای اجتماعی، سند تحول بنیادین، نقاط قوت و ضعف.

^۱. دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

^۲. استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳. استادیار گروه فلسفه، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

مقدمه

عرصه تعلیم و تربیت از مهم ترین زیر ساخت های تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی است تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد. بدون شک گام برداشتن در مسیر آرمانهای اجتماعی هر ملت و فرهنگی نیازمند آموزش و پرورش پویا و هدفمند برای ریشه دواندن نهالهای تشنه دانش آموزان در زمین علم و دانش است. تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده تا با الهام گیری از اسناد بالادستی و بهره گیری از ارزش های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود. (فرهی، ۱۳۹۳). بررسی تحول بنیادین در آموزش و پرورش از سال ۱۳۸۱ شروع شد و مطالعات مقدماتی آن طی ۱۰ سال انجام گرفت تا در نهایت منجر به طرحی شد که در اواخر سال ۸۹ و شش ماهه اول سال ۹۰ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید و جنبه قانونی به خود گرفت و سند تحول بنیادین نظام آموزشی نامیده شد. از سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش به مثابه نقشه راهی برای تحقق ارزش ها و آرمان های متعالی انقلاب اسلامی در اجتماع ایرانی و اسلامی مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان و تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی - ایرانی تعبیر شده است؛ قرار است اجرای این سند منجر به " کسب موقعیت نخست تربیتی در منطقه و جهان اسلام و ارتقاء فزاینده جایگاه تعلیم و تربیت ایران در سطح جهانی " شود. (سند تحول، ۱۳۹۰) اینک با این اهداف آرمانی و در برخی مواقع غیر قابل فهم، در حال تلاش برای رسیدن نقطه آرمانی هستیم. اکنون که هشت سال از اجرا در آمدن این طرح گذشته است، نقدهایی بر آن وارد شده است که نشان از کاستی ها و مغفول ماندن برخی یا اکثریتی از اهداف علمپاتی است که بدانها پرداخته نشده است و با الگو در آوردن این سند برای تعلیم و تربیت کشور جمهوری اسلامی ایران، سیاست های آموزش و پرورش تدوین و ابلاغ شده اند که در این نوشتار سعی در برشمردن و نقد آنها براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شده است.

روش شناسی

این پژوهش به شیوه کتابخانه ای - اسنادی سعی در بررسی سند تحول بنیادین و نقدهای مطروحه حول این سند می باشد که از طرفی دیگر می تواند پژوهشی تفسیری - تبیینی باشد. ابزار گردآوری داده ها، سیاهه

محقق ساخته تحلیل محتوا بود. محیط پژوهش هم شامل خود سند تحول بنیادین، مبانی نظری این سند و نوشتارهای نقد گونه و مقالات چاپ شده در این خصوص بود.

یافته ها:

در ادامه به بررسی اهم سیاست های آموزشی کشور براساس سند تحول بنیادین پرداخته و در پایان به نقاط قوت و ضعف آن، پرداخته خواهد شد.

اهم سیاستگذاری های آموزشی کشور بر اساس آرمان اجتماعی

ترسیم مرزهای نظام آموزش و پرورش در یک کشور با توجه به فلسفه وجودی آن نظام و کارکردهای مورد انتظار از آن، صورت می پذیرد. اگر گزاره زگهواره تا گور دانش بجوی را در نظر بگیریم و کارکرد نظام آموزش و پرورش یک کشور را فراهم کردن زمینه های چنین امری بدانیم، آنگاه نظام آموزش و پرورش، نظامی گسترده و فراگیر خواهد بود و دستگاه های زیادی را در بر می گیرد. یک بار نیز ممکن است نظام آموزش و پرورش را محدود به تأمین آموزش و پرورش لازم در یک مقطع زندگی افراد جامعه و در موضوع آموزش هایی خاص سازیم و این نظام معادل یک دستگاه و وزارتخانه گرفته شود. نظام یا سیستم مجموعه ای از اجزاء و اعضاء است که در تعامل با یکدیگرند. هر یک دارای هدف و کارکرد مشخص بوده ولی در کل در پی تأمین هدف کل سیستم و نظام می باشند.

در مجموعه این اجزاء و اعضاء سیستم، یکی از اعضاء یا زیر سیستم ها، زیر سیستم اصلی بوده که دیگر زیر سیستم ها بر محور آن، مهندسی و ساماندهی می شوند. کارکرد اصلی نظام با کارکرد زیر سیستم محور کاملاً پیوند خورده و همگونی زیاد دارد. در حقیقت زیر سیستم محوری، قلب نظام یا سیستم است. سلامت و کارکرد مناسب آن، لازمه سلامت و کارکرد مناسب دیگر زیر سیستم ها خواهد بود. نظام آموزش و پرورش را نمی توان محدود به یک دستگاه و وزارتخانه دانست. حتی اعتبار کردن نظام آموزش و پرورش به یک وزارتخانه با همین عنوان، قرین صحت نبوده و ابهام زایی می کند.

۱- تکیه بر آموزه های بنیادی اسلام و سازگاری با آن ها

در تدوین سند کوشش بر آن بوده است تا مفاد آن علی الاصول بر آموزه های بنیادی اسلام استوار و یا با آن ها سازگار باشد. این تلاش در جریان طراحی و انجام مطالعات نظری (محورهای سوم و چهارم ناظر به تدوین الگوهای نظری ساحت ها و زیر نظام ها) با ارایه چهارچوب فلسفی دینی (برگرفته از مبانی اسلامی) بد محققان و همچنین برگزاری جلسات و نشست های متعدد بین محققان برای استماع و بررسی گزارش یافته های پژوهش «فلسفه تعلیم و تربیت رسمی در اسلام، صورت گرفته است. همچنین نتایج این پژوهش ها (یعنی الگوهای نظری تدوین شده) علاوه بر بررسی توسط ناظران، در جلسات کمیته تدوین رهنامه و کارگروه تدوین با توجه به ملاک های متعدد از جمله تناسب مفروضات و محتوا با تعالیم اسلامی مورد بررسی و نقد و بازبینی و اصلاح واقع شده است. افزون بر این، در فرآیند تلفیق نتایج پژوهش های تشریحی،

از یافته‌های ارزشمند مطالعه تدوین بنیادهای فلسفی و دینی سند ملی آموزش و پرورش و سایر منابع معتبر اسلامی نیز استفاده شده است (آقایی، ۱۳۸۶)

۲- استفاده از آخرین یافته‌های علمی

تمامی تحقیقات انجام شده در محورهای سوم و چهارم مطالعات نظری، طبق روش شناسی مصوب می‌بایست بر یافته‌های جدید هریک از حوزه‌ها توجه داشته باشند. همچنین در چهارچوب مطالعات سند ملی آموزش و پرورش، گزارش نتایج مطالعه «بنیان‌های روانشناختی سند ملی آموزش و پرورش و گزارش نتایج مطالعه» بنیان‌های جامعه‌شناختی سند ملی آموزش و پرورش نیز به اطلاع محققان در حوزه ساحت‌ها و زیر نا مها رسیده است. (لطف آبادی، ۱۳۹۰)

۳- ملاحظه واقع‌گرایانه ظرفیت‌های موجود و محدودیت‌های نظام تربیت رسمی و عمومی

مطالعات مربوط به هر زیر نظام با نقد وضع موجود و بررسی رویکردهای جاری در هر حوزه با استفاده از نتایج مطالعات انجام یافته در کمیته مطالعاتی محیطی و کمیته مولفه‌های اصلی سند ملی آموزش و پرورش و نیز مجموعه مطالعات استانی سند ملی و فراتحلیل آن‌ها صورت گرفته است. همچنین نقد و بررسی مکرر اجزاء و بخش‌های برنامه توسط کارشناسان مجرب حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش و مدیران ارشد این نظام، باعث شده تا ترسیم وضع مطلوب نظام تربیت رسمی و عمومی در رهنامه، حتی الامکان با توجه به مسائل و واقعیت‌های موجود و پیش روی نظام آموزش و پرورش کشور ما صورت گیرد لذا می‌توان گفت که تدوین الگوی نظری در این مطالعات در عین معطوف بودن به وضع مطلوب با عنایت به شرایط موجود انجام یافته است. (لطف آبادی، ۱۳۹۰)

۴- بهره‌مندی از تجربیات موفق سایر نظام‌های آموزشی در چارچوب نظام معیار اسلامی

بخش مهمی از مطالعات ناظر به ساحت‌ها و زیر نظام‌ها، بررسی تطبیقی تجارب کشورهای و نمونه‌های موفق در عرصه بین‌الملل البته با توجه به سازگاری آن‌ها با نظام معیار اسلامی و تناسب با شرایط بومی بوده است لذا تدوین هر الگوی مدون از سویی با توجه به مسائل بومی و از یک سو ناظر به تجربیات موفق، معتبر و منطبق با نظام معیار اسلامی در عرصه بین‌الملل بوده است. (رفیعی، ۱۳۹۱).

۵- نقش آفرینی مؤثر دولت (با دیگر ارکان تربیت خانواده، رسانه، نهادها و سازمان‌های غیر دولتی)

بر اساس مبانی بیان شده در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، ارکان تربیت عبارت‌اند از: دولت اسلامی (حاکمیت)، خانواده، رسانه، نهادها و سازمان‌های غیر دولتی. البته در راستای مبانی سیاسی و حقوقی پیش‌گفته و تقدم جنبه اجتماعی تربیت رسمی و عمومی بر جنبه فردی آن، دولت اسلامی (به لحاظ رسالت زمینه‌سازی جهت تحقق حیات طیبه و هدایت فرد و جامعه در ساماندهی سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات نام تربیت رسمی و عمومی نقش محوری و اساسی تری بر عهده دارد. لذا دولت اسلامی به دلیل داشتن همین نقش محوری باید علاوه بر سیاست‌گذاری و نظارت، شرایط و لوازم تحقق در حد مقبول و مناسب با ویژگی‌های تربیت رسمی و عمومی را به طور عادلانه برای همه مخاطبان این نوع تربیت تأمین کند. اما این

گونه نقش آفرینی دولت اسلامی نباید به بی توجهی به نقش فعال دیگر ارکان تربیت در فرایند تربیت رسمی و عمومی منجر شود. لذا علاوه بر نقش اساسی دولت اسلامی در جهت دهی نظام تربیت رسمی و عمومی، خانواده، رسانه، نهادها و سازمان های دیگر حق و تکلیف دارند که به شکل موثر و هماهنگ در فعالیت های این نظام مشارکت جویند. (مهرمحمدی، ۱۳۹۲)

۶- تربیت فردی و اجتماعی

نظر به اینکه هر انسانی دارای حق و حقوقی است و از طرف دیگر نیز تکالیفی بر عهده دارد که در قالب حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی پذیرفته شده است حق بر تربیت نیز دو جنبه فردی و اجتماعی دارد تربیت فردی به عهده خانواده و تربیت اجتماعی افراد به عهده نظام آموزش و پرورش و سازمانها و نهادهای غیر دولتی است. در جنبه فردی تربیت، فرد و خانواده صاحب حق و تکلیف اند. لذا به طور کلی مسئولیت اولیه و اصلی تربیت کودکان با والدین است و دولت نقش مکمل و ناظر را بر عهده دارد. ولی ایفای جنبه اجتماعی حق بر تربیت باید با مسئولیت ارکان تربیت و همه نهادهای سهیم صورت پذیرد که در تربیت رسمی و عمومی مسئولیت اصلی بر عهده حاکمیت است و والدین نقش مکمل و ناظر را دارند.

مراحل تربیت در تربیت رسمی و عمومی به چهار مرحله زیر تقسیم شده است؛ مرحله اول تربیت شامل دوره پیش دبستانی، آمادگی و سال های اول و دوم دبستان است. مرحله دوم شامل سال های سوم، چهارم و پنجم نظام فعلی دوره ابتدایی است. مرحله سوم معادل سال های اول، دوم و سوم راهنمایی فعلی است مرحله چهارم شامل ده، یازده، دوازده دوره متوسطه نظام فعلی می باشد. (فرهی، ۱۳۸۶)

۷- تربیت یکپارچه

از تعاریف خیلی خوب که در اسناد آموزش و پرورش آمده است، تعریف تربیت، به عنوان فرآیندی یکپارچه و نگاهی فرهنگی تربیتی به فرآیندهای آموزش پرورش است. چنانکه به جای استفاده از لفظ عدالت آموزشی نیز، از عدالت تربیتی استفاده شده است. اما جریان این نگاه هنگامی که سند تحول به بیان راهکارها می رسد، دیگر قطع شده و ادامه می یابد. آنچه که در راهکارهای گسترش و تامین عدالت تربیتی آمده است، معطوف به تدریس و آموزش بوده و از مباحث عدالت در فرصتهای پرورش و تربیت و یا دسترسی به فرصتها و کیفیت پرورش غافل بوده است. به عنوان مثال تجویز آموزش از راه دور و مجازی برای استقرار عدالت، در نگاه خوش بینانه اگر بتواند عدالت در آموزش را تامین کند، مطمئناً عدالت در پرورش را تامین نخواهد کرد. غفلت از تربیت اجتماعی و سیاسی و روابط میان معلم و شاگرد و درک محضر معلم از جمله مواردی است که دیگر آموزش مجازی پاسخگوی آنها برای دانش آموزان مناطق دور افتاده نخواهد بود. (صادق زاده و همکاران، ۱۳۸۷)

بخش دوم: نقاط قوت سیاست های آموزشی کشور ایران براساس سند تحول بنیادین

هماهنگی و همسویی عوامل اجتماعی متعدد تربیت

برای رسیدن به هدف تربیتی نیازمند هماهنگی و همسویی بخشهای متعدد تربیت هستیم "بی شک، مشارکت جویی یک اصل مهم و حاکم بر روابط بیرونی تربیت رسمی و عمومی با دیگر بخش های جامعه است. یکی از مصادیق این اصل هماهنگی نظام تربیت رسمی و عمومی با نهادهای متولی فرهنگ عمومی نصیر رسانه و مساجد در فرآیند اصلاح اجتماعی برای ایجاد هماهنگی و هم سوتی میان عوامل متعدد سهیم در تربیت رسمی و عمومی، عموم افراد جامعه باید هم غایت، هدف کلی و اهداف مشترکی برای انواع تربیت عمومی - اعم از رسمی و غیر رسمی - تعیین شود و هم با تقسیم کار و وظایف میان عوامل سهیم، زمینه هم افزایی و تعامل سازنده بین آنها فراهم شود در این میان باید به طور ویژه در سطح ملی نوعی تعامل، هماهنگی و تقسیم وظایف با نهادهای ذیل به عمل . خانواده . نظام آموزش عالی • رسانه ملی و سایر شبکه های ارتباطی ملی . حوزه های علمیه • نهادهای تبلیغات دینی مساجد و مؤسسات مذهبی، سازمان تبلیغات اسلامی و ...)

نهادهای تربیت غیر رسمی (مطبوعات، هنرهای نمایشی و مراکز فرهنگی): نظام آموزش فنی و حرفه ای (وزارت کار و امور اجتماعی، فر ...).

در فصل هفتم سند تحول که به چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش می پردازد در بند برنامه ریزی و نظام اجرایی نوشته شده است:

د- تمام دستگاهها و نهادها، به ویژه رسانه ملی، موظفند در چارچوب این سند، همکاری لازم با نام تعلیم و تربیت رسمی عمومی را برای تحقق اهداف تحول بنیادین آموزش و پرورش معمول دارند. گزارش نحوه و میزان همکاری دستگاه ها به صورت سالانه توسط وزیر آموزش و پرورش به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه خواهد شد. (لطف آبادی، ۱۳۹۰).

دخیل نمودن نقش رسانه های اجتماعی در تربیت رسمی و غیر رسمی

ویژگی اساسی رسانه ها جذابیت هنری آنهاست و استفاده از انواع جذابیت های هنری برای مخاطبان روز به روز عرصه را بر دیگر عوامل سهیم در تربیت به خصوص نهادهای تربیت رسمی و نهادهای سنتی تربیت نظیر خانواده و مسجد) تنگ تر می نماید . امروزه نقش و جایگاه رسانه ها در تمامی جوامع افزایش یافته است و به دلیل گستره و حوزه پوشش وسیع این رسانه ها در داخل و خارج از کشورها و جذابیت و مقبولیت آنها در بین مردم، امروزه تلاش دولت ها در این راستا قرار گرفته است که از این رسانه ها در جهت تحقق اهداف تربیتی خویش استفاده کند. از آنجائی که استفاده متریبان و مریبان از رسانه های ملی (نظیر صدا و سیما همچنان بیشتر از فناوری های جدید (مانند شبکه تارنمای جهانی است. بنابر این نظام تربیت رسمی و عمومی در جهت بهره مندی از ظرفیت تربیتی رسانه می تواند و باید با سفارش ساخت برنامه های تربیتی متنوع و مفید به رسانه ملی و یا با طراحی سایت های مناسب، در جهت ارتقای سطح تربیتی مخاطبان خود اصولا در عصر حاضر رساند یکی از عوامل قدرتمند و تأثیر گذار بر جریان های اجتماعی است. به طریق اولی این نهاد عظیم اجتماعی بر فرایند تربیت و تربیت رسمی و عمومی اثرگذار است. سیاست های حاکم بر نهاد تربیت رسمی و عمومی باید به گونه ای باشد که از ظرفیت های نهاد رسانه ملی در توسعه و تقویت

تجارب تربیتی بهره گرفته شود. اگرچه هم سویی سیاست های کلان این دو نهاد فراتر از توان تصمیم گیری و نفوذ سیاست گذاران دو نهاد است اما در مجموع رسانه ملی ظرفیت های فراوانی برای توسعه و بهبود کمی و کیفی تربیت رسمی و عمومی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. به علاوه رسانه ملی به مثابه مهم ترین عامل تربیت عمومی غیررسمی در جوامع معاصر، باید با تربیت رسمی و عمومی هماهنگ باشد و بین این دو نهاد تربیتی نوعی تقسیم کار و وظایف صورت پذیرد. در فصل ششم سند تحول در راهبردهای کلان بند ۸ می نویسد: «تعامل اثر بخش و فعال نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با سایر نهادها و دستگاه های مرتبط به ویژه نهاد خانواده و رسانه با تأکید بر کاهش مرزهای تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی (هدفهای کلان ۱، ۲، ۴ و ۷) (کریمی، ۱۳۹۲)

- ایجاد تسهیلات قانونی و ساز و کارهای تشویقی و انگیزشی لازم اعم از مادی و معنوی، برای بسط فرهنگ نیکوکاری و تعاون، مشارکت پذیری و مشارکت جویی در جامعه و در بین دانش آموزان با الهام از آموزه های دینی با تأکید بر استفاده مناسب از ظرفیت کتاب های درسی، مجلات و رسانه های آموزشی و برگزاری اردوهای جهادی. که به دنبال "جلب مشارکت ارکان سهیم و موثر و بخش عمومی و غیر دولتی در تعلیم و تربیت رسمی عمومی

- برنامه ریزی و به کارگیری امکانات و فرصت های اجتماعی برای اعتلای فرهنگ عمومی در تکریم و پاسداشت مقام معلم با تأکید بر استفاده از ظرفیت رسانه ملی که هدف آن "ارتقاء منزلت اجتماعی و جایگاه حرفه ای منابع انسانی با تأکید بر نقش الگویی و جایگاه معلم (کریمی، ۱۳۹۲)

بخش سوم: نقاط ضعف سیاستگذاری آموزشی کشور ایران براساس سند تحول بنیادین

بی توجهی به اجرای زیر نظامهای سند تحول و باقی ماندن در مرحله برنامه

متأسفانه بعد از تصویب سند تحول بجای آنکه ارزش وجود چنین سندی برای افکار عمومی تبیین و تشریح گردد، و نقش و اهمیت آن در شکل دادن به برنامه های تحولی مورد توجه قرار گیرد، بیشتر بر پیامدهای ناشی از برنامه هایی که هنوز تدوین نشده بود متمرکز شد. تمرکز شدید بر پیامدهای پیش بینی شده ناشی از زیر نظام ها در حال تدوین با شکل نگرفته، سبب مغفول ماندن ارزش ذاتی سند تحول گردید. تقاضای تحول های اساسی در آموزش و پرورش ریشه در آرمان خواهی و تحول خواهی انقلابی جامعه و نظام اسلامی ما دارد، و به یک فرد یا گروه معینی باز نمی گردد. به همین جهت وقتی داشتند یک سند ملی در سال ۱۳۸۲، به یک ایده در دولت اصلاحات تبدیل می شود، به دنبال فرصتی در سال ۱۳۹۰، در دولت دهم تحقق عینی می یابد، و به همین ضرورت برنامه های اجرایی سند نیز، محتمل است در دولت یازدهم استمرار یابد.

سند تحول، سند زاینده ای است که قرار است فرزند تنومند به نظام آموزش و پرورش هدیه دهد، تا هریک تحولی عظیم را در ساحت آموزش و پرورش بوجود آورند. تنها هدیه آن، با نام «برنامه ملی در سی هنوز در مرحله نوزادی است. انتظام رتبه بندی، در مرحله جنینی است و چهار زیر نظام دیگر نیز هنوز سرنوشتی

نامعلوم دارند. این ۶ زیر نظام وقتی متولد شده و به دوره بلوغ خویش نزدیک شوند، محتمل است قادر باشند تحولی عظیم در آموزش و پرورش را رقم بزنند. (رهنامه ی نظام تعلیم و تربیتی رسمی عمومی، ۱۳۸۸).

دید غیر واقع گرایانه به عدالت تربیتی

میان عدالت و همه جانبه نگری، رابطه ای وثیق وجود دارد. "کل نگری" آنچنان که در تعریف عدالت آمده است: "اعطاء کل ذی حق حقه" پیش نیاز اساسی در برقراری و استقرار عدالت در هر نظامی است چرا که در احصاء روابط یک سیستم و قضاوت در مورد کیفیت این روابط، هر گونه جزء نگری و فراغت از فراسیستم ها و یا سیستم های هم ارز با یک سیستم، خواسته یا ناخواسته، لاجرم ما را به دامن ظلم خواهد کشاند. چه بسا در یک زیر مجموعه به خیال خود عدالتی را برقرار کرده باشیم، در حالی که با نگاهی کلان تر، آن عمل ظلمی را در حق دیگر سیستم ها روا دارد. (علم الهدی، ۱۳۸۸)

اگر نظام آموزشی را به صورت یک سیستم که دارای ورودی، خروجی و فرآیندی است که در زمینه ای به عنوان محیط فعالیت می کند ببینیم، در برقراری عدالت باید نگاهی کلان به همه این اجزاء وجود داشته باشد. باید در نظر داشت که "ورودی" ها به نظام آموزشی، اعم از دانش آموز، معلم، منابع مالی و دیگر منابع، بر اساس عدالت گزینش شده باشند؛ "فرآیند" های برنامه درسی، مدیریت آموزشی، ارزشیابی تحصیلی عادلانه بوده و همچنین اصل رعایت عدالت را در رابطه نظام آموزشی با محیط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در نظر داشت.

اما آنچنان که در سند تحول راهبردی آمده است، عدالت بدین معنا مورد نظر نبوده است و مفهومی یک بعدی و در نگاه خوش بینانه غیر جامع از آن استنباط می شود. سند تحول راهبردی، اصلاً موضع خود را در این باره مشخص نکرده و با اینکه در پژوهش چالش های کلان نظام تربیت رسمی و عمومی، به اعتدال در فرآیند، نگاه گذرایی داشتند، آنجا که به عرصه بیان راهکارها رسیده است، "فرآیند" و انتخاب "ورودی" های نظام آموزشی، مفروغ عنه انگاشته شده اند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۵)

نگاه خوش بینانه در بیان راهکارهای تربیتی

از جمله تفاوت های موجود در نگاه های مختلف به راهکارهای تربیتی، بدبینانه بودن یا خوش بینانه بودن نگاه کلی هر مکتب به روابط کلان موجود در جامعه است. چنان که عدالت مارکسیستی در بدبینانه ترین حالت، به تئوری تضاد رسیده است و از جنگ و نزاعی دائمی میان طبقات یاد می کند و عدالت در نگاه لیبرال، یا مورد غفلت واقع شده و با نگاهی خوش بینانه و ساده انگارانه به آن دارد. در احصاء روابط میان نظام آموزشی و محیط آن، باید نگاهی واقع بینانه داشت. نه می شود از وجود مستکبرین فرصت طلبی که کینه و بغض مستضعفین را به دل دارند غفلت کرد و به دست پنهان اقتصاد در آموزش دل خوش کرد و نه می توان خود را گرفتار و اسیر توهمات جبر طبقاتی و جامعه شناختی کرد. اما به نظر می رسد آنچه که در قسمت راهکارهای گسترش و تامین عدالت آمده است، ناشی از نگاهی "رالز" گونه و فارغ از نگاه اسلام ناب به

راهکارهای عدالت گونه بوده است. اطلاق نگاه کمی به بحث فراگیری پوشش تحصیلی و مفهومی چون آموزش برای همه و همچنین تفکیک آن از نگاه کیفی با فرض ملاحظه تفاوتها، در قسمت "بیانیه ارزش ها" این ساده انگاری و فارغ بودن از واقع بینی را بیشتر به ذهن متبادر می کند (پیروزمند، ۱۳۹۰).

نتیجه گیری

تحقق اهداف نظام آموزشی نیازمند برنامه و ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز یک برنامه جامع برای مشخص کردن مسیر و هدف های مهم جمهوری اسلامی ایران است که همه حوزه ها را در بر می گیرد. اصلی ترین عرصه های فعالیت این الگو با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری، چهار عرصه فکر، علم، زندگی و معنویت می باشد که می توان بر این اساس کلیه سیاست گذاری ها، افق ها و برنامه ریزی های کلان مملکتی را تنظیم کرد. در این رهگذر می توان با راهبردهایی همچون اصلاح نظام آموزشی کشور، طراحی نظام تعمیق معرفت دینی جامعه و ایجاد نظام تولید و انتشار دانش و با توجه به اسناد فرادستی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به تبیین الگوی پیشرفت پرداخت. با توجه به این که نظام آموزشی یکی از مهم ترین حوزه ها در چهار عرصه فوق می باشد تدوین سند راهبردی دقیق، یکپارچه و جامع، بخش مهمی از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را مشخص می سازد. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از نظر محتوا، سطح و حوزه مطالعاتی از جامعیت لازم برخوردار است اما چارچوب مفهومی آن دچار نقص های قابل توجهی می باشد، بنابراین ابتدا با استفاده از چارچوب نظری این سند، سیاست های آموزش و پرورش احصا و سپس به نقاط قوت و ضعف آن پرداخته شد. نتایج نشان داد که سیاست های آموزش و پرورش براساس این سند شامل تکیه بر آموزه های بنیادی اسلام و سازگاری با آنها، استفاده از آخرین یافته های علمی، ملاحظه واقع گرایانه ظرفیت های موجود، بهره مندی از تجارب کشورهای موفق، نقش آفرینی دولت و ملت در آموزش، تربیت فردی و اجتماعی، تربیت یکپارچه می باشد. نقاط قوت طرح شامل هماهنگی و همسویی عوامل متعدد تربیت، دخیل نمودن نقشه رسانه ها در تربیت می باشد و نقاط ضعف این طرح، شامل آرمانگرایی و آرمان خواهی انقلابی، دید غیرواقع گرایانه به عدالت تربیتی، نگاه خوش بینانه در بیان راهکارهای تربیتی می باشد.

منابع

- فرهی، رضا (۱۳۹۳). نگرشی به سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش: تهران، نشر پژوه.
- آقایی، بهمن (۱۳۸۶). فرهنگ حقوق بشر، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- کریمی، احمد (۱۳۹۲). توسعه در سند تحول بنیادین، مجله پژوهش‌های آموزش و پرورش، شماره ۱۱۰.
- لطف آبادی، حسین (۱۳۹۰). تدوین بنیان‌های روان‌شناختی طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، کمیته مطالعات نظری.
- رفیعی، محمد (۱۳۹۱). مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، تهران: انتشارات سمت.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۲). الگوی نظری زیر نظام برنامه درسی در نظام آموزش و پرورش، جمهوری اسلامی ایران، طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، کمیته مطالعات نظری.
- صادق زاده، علیرضا (۱۳۸۷). الگوی نظری تربیت دینی و اخلاقی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش، کمیته مطالعات نظری.
- رهنامه‌ی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹). تهران، دبیرخانه ستاد تحول بنیادین آموزش و پرورش.